

## حس اجتماع مجازی: پیشینه نظری و پیشرفت‌های روش‌شناختی

مهدی امیرکافی<sup>۱</sup>

سلیمان پاک سرشت<sup>۲</sup>

دریافت (۹۰/۰۱/۱۷) تایید (۹۰/۰۱/۲۰)

### چکیده

حس اجتماع یک تجربه ذهنی است و بیانگر احساس تعلق فرد نسبت به اجتماع است. این مفهوم در مقابل احساس تنها و انزواج اجتماعی قرار می‌گیرد و با همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی اشتراک مفهومی دارد. اگرچه توافق کاملی در مورد تعریف آن وجود ندارد، با این همه ابزار مفهومی سودمندی است که می‌توان از طریق آن به ارزیابی سرزندگی و نشاط اجتماعات پرداخت. حس اجتماع در ابتدای توسعه خود، عمدتاً به اجتماعات سرزمندی محدود بود، اما به تدریج به اجتماعات رابطه‌ای گسترش یافت، اخیراً با رشد اجتماعات مجازی مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته است.

هدف این مقاله بررسی حس اجتماع و همچنین معرفی سازه جدید حس اجتماع مجازی است. برای این منظور ابتدا تحول مفهومی اجتماع و اشکال مختلف آن را بررسی می‌کنیم و سپس به توصیف حس اجتماع می‌پردازیم. در این ارتباط ابعاد مختلف موضوع را مشخص می‌سازیم و اهمیت آن را در تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهیم. همچنین ضمن بررسی تحقیقات انجام شده تلاش خواهیم کرد تا به چند پرسش پاسخ دهیم؛ از جمله اینکه آیا اعضای اجتماعات مجازی حس اجتماع را تجربه می‌کنند یا خیر؟ چه عواملی بر توسعه حس اجتماع مجازی موثراند؟ و سرانجام چگونه و تحت چه شرایطی اجتماعات مجازی بر روی اجتماعات مکانی تأثیر می‌گذارند؟

**واژگان کلیدی:** اجتماع، اجتماع مجازی، حس اجتماع، حس اجتماع مجازی، عضویت، نفوذ، انسجام و برآورده شدن نیازها و اتصال احساسی مشترک.

mehdiamirkafi@gmail.com

<sup>۱</sup>. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

s\_pakseresht@yahoo.com

<sup>۲</sup>. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان،

## ۱. مقدمه

نقش و اهمیت ارتباطات انسانی از دیرباز مورد توجه نظریه‌پردازان اجتماعی قرار داشته است. با تغییر از جوامع سنتی به مدرن و ظهور جامعه شبکه‌ای (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴؛ کاستلز، ۱۳۸۰) مفاهیم تعاملات اجتماعی و اجتماع اهمیتی بیش از پیش پیدا کردند. توسعه شبکه‌های حمل و نقل و رشد تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی موجب شد تا اشکال جدیدی از روابط و تعاملات اجتماعی متفاوت از روابط چهره به چهره گسترس یابد. ارتباطات کامپیوتی امکان شگل‌گیری اجتماعات رابطه‌ای که به مکان جغرافیایی خاصی وابسته نیستند را فراهم ساخت (کوان-هاس و ولمن، ۲۰۰۴؛ رابرتس و دیگران، ۲۰۰۲؛ ولمن، ۲۰۰۱). ارتباطات اینترنی با فراهم آوردن امکان پیدایی اجتماعات مجازی، به افراد اجازه داد تا به تبادل اطلاعات بپردازند، پیرامون موضوعات مشترک به بحث بپردازند، در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با هم همکاری کنند و به یکدیگر یاری رسانند.

به دنبال تحولات یاد شده، ایده‌های جدیدی در مورد اجتماع شکل گرفت و اشکال مختلف آن شناسایی و کشف گردید. شرح این روند را می‌توان در اصطلاحاتی مانند اجتماعات رابطه‌ای، اجتماعات تصویری، اجتماعات نمادی<sup>۱</sup> و اجتماعات مجازی مشاهده نمود. با شگل‌گیری اجتماعات مجازی در دهه ۱۹۹۰ و گسترش سریع آن در سرتاسر جهان، بررسی آن مورد توجه محققان قرار گرفت. این نوع بررسی‌ها امکان مقایسه اجتماعات واقعی با اجتماعات مجازی را فراهم ساخت و تفاوت‌ها و شباهت‌های بین این دو نوع اجتماع را آشکار نمود. در دو دهه گذشته به موازات نظریه‌سازی در مورد اجتماعات مجازی پژوهش‌های متعددی در مورد نحوه تعامل افراد در این نوع اجتماعات انجام شده است (بلانچارد، ۲۰۰۸؛ بلانچارد و مارکوس، ۲۰۰۴؛ بلانچارد، ۲۰۰۴؛ رابرتس و دیگران، ۲۰۰۲). با توجه به اینکه بررسی دقیق اجتماعات مجازی و حس اجتماع مجازی بدون درک و بازخوانی مباحث موجود در ارتباط با اجتماعات واقعی ممکن نیست، ابتدا به بررسی مفهوم اجتماع و تحول مفهومی و تئوریک پیرامون آن برای پوشش کیفیت متفاوت اجتماع در مدرنیته متأخر خواهیم پرداخت. مسلماً مسائلی که در این حوزه مطرح شده است به معنی واقعی کلمه بسیار پیچیده و پردازنه‌تر از آن‌اند که بتوان در اینجا مورد بررسی قرار داد، با این همه در این مقاله تلاش می‌شود که خطوط کلی و مهم آن‌ها مورد بحث قرار گیرد.

---

<sup>1</sup>. symbolic communities

## ۲. مفهوم اجتماع و ماهیت احساس تعلق

مفهوم «اجتماع» در علوم اجتماعی همیشه به عنوان یک امر هنجاری بکار رفته است (گیلارد و هیگز، ۲۰۰۵؛ کاکرین، ۱۳۸۷؛ بودون و بوریکو، ۱۳۸۵) و بررسی این مفهوم همواره با یک حس نوستالژیک همراه بوده است (بل، ۲۰۰۱). در در دهه هفتاد بل<sup>۱</sup> و نیوبای<sup>۲</sup> در مرور مطالعات اجتماع به این نتیجه رسیدند، از آنجا که این اصطلاح با ارزش‌های اخلاقی همراه است، بررسی بی‌طرفانه آن مشکل است و علیرغم تحقیقات صورت گرفته، هنوز نتوانسته‌ایم به «تئوری اجتماع»<sup>۳</sup> دست پیدا کنیم. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند به جای بحث در مورد اجتماع (قلمرو موضوعی آن)، مطالعات اجتماع باید به مثابه رهیافت روش‌شناختی در نظر گرفته شود (گیلارد و هیگز، ۲۰۰۵؛ مک فارلن، ۱۹۷۷) از این هم جلوتر می‌رود و رأی به کنار گذاشتن این مفهوم می‌دهد (همان).

اگرچه چنین دیدگاهی در مورد اجتماع طرفدارانی دارد با این همه توسعه بعدی نشان داد که نتیجه‌گیری آن‌ها زودهنگام بوده است. ما هم اکنون شاهد هستیم که در عصر جهانی شدن فزاینده و ظهور جامعه شبکه‌ای، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اقتصاددانان و علمای علم سیاست مجدداً اهمیت اجتماع را کشف کرده‌اند (سامپسون و دیگران، ۱۹۹۹). اندیشمندان اجتماعی در واکنش به شهرنشینی گستردۀ، فرایند جهانی شدن، توسعه تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی، رشد فزاینده انزوای فیزیکی و اجتماعی افراد از خانواده، دوستان و همسایگان، ترس و نگرانی روز افرون از تغییرات و ناشناخته‌ها... بار دیگر بر اهمیت مفاهیم اجتماع، احساس تعلق، حمایت اجتماعی تاکید می‌کنند (بس و دیگران، ۲۰۰۲).

نکته حایز اهمیت در این بحث‌ها و واکنش‌ها، آن است که علیرغم توافقی که در مورد اهمیت و جایگاه مفهوم اجتماع وجود دارد؛ این مسئله که اجتماع چه معنایی دارد، کارکرد آن چیست و عضویت در اجتماع چه منافع و مضرای دارد تا حد زیادی کشف نشده باقی مانده است.

برای بسیاری ایده اجتماع تصوراتی از روستا و شهرهای کوچک را به ذهن متبار می‌سازد. در این مناطق افراد یکدیگر را می‌شناسند، از هم مراقبت می‌کنند و انواع مختلفی از حمایت‌های ابزاری و احساسی را برای دیگر اعضای اجتماع فراهم می‌سازند. همه ستایش‌هایی که تا کنون از زندگی در روستا و شهرهای کوچک به عمل آمده اشاراتش بر این نکته بوده است که در این مناطق اشتراک مادی و معنوی در بین مردم در مقایسه با شهرهای بزرگ نیرومندتر و زنده‌تر است. چنین دریافت‌هایی از اجتماع، بر تمایزی که تونیس (۱۳۸۱، ۱۳۷۳) میان گمینشاфт و گزلشافت قائل شد، مبنی هستند. تونیس شروع مدرنیته را از نقطه نظر تغییر در

<sup>1</sup>. Bell

<sup>2</sup>. Newby

<sup>3</sup>. Theory of Community

ماهیت ارتباطات انسانی از اجتماع (گمینشاфт) به جامعه (گزشافت) مورد بحث قرار می‌دهد. تفسیر او از این تغییر، تاکید بر ثبات، هماهنگی، احساس گرما و یگانه بودن روابط اجتماعی در اجتماع و اصرار بر دوروبی و ریاکاری غیرطبیعی و سردبودن جامعه شهری مدرن است (میسزتال، ۱۹۹۶: ۳۸). از دیدگاه تونیس تغییر از زندگی اشتراکی در روستا به نظام شهری به معنای کاهش غیرقابل اجتناب در کیفیت زندگی اجتماع محلی است (فیگورا، ۲۰۰۱). این میراث نظری با کار ویرث تدوین روشتری یافت. کسی که معتقد بود با افزایش حجم، تراکم و ناهمگونی زندگی شهری، پیوندهای اولیه شهرونشینان با خویشاوندان و همسایگان ضعیف می‌شود و این امر به نوبه خود از شدت احساسات جمعی محلی و دلبرستگی احساسی به مکان می‌کاهد (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳).

درمورد تنزل جایگاه اجتماع محلی نظری مشابه تفکر ویرث را نزد مؤلفان دیگر نیز می‌یابیم، ملوین وبر در این زمینه استدلال می‌کند که افراد در جوامع مدرن خصوصاً اعضای طبقه متوسط احساس تعلق زیادی به اجتماع مکانی ندارند، بلکه برای آن‌ها اجتماع علائق، جاذبه بیشتری یافته است. به اعتقاد وبر اجتماع مبتنی بر علائق به لحاظ فضایی مرکز نیست و این امر مسئله‌ای در ارتباط آزاد میان اعضا ایجاد نمی‌کند. از این‌رو ما در این نوع اجتماعات قادریم به طور فزاینده هر کجا که باشیم با هم به تعامل بپردازیم. اکنون این نکته آشکار شده است که «نزدیکی مکانی» رفته رفته اهمیت کمتری در حفظ اشتراکات اجتماعی پیدا می‌کند و در مقابل «قابل دسترس بودن» مهم می‌گردد. امروزه دیگر توزیع فضایی تعیین کننده اصلی عضویت در اجتماعات تخصصی نیست، بلکه تعامل است (وبر، ۱۳۷۳: ۲۰۶).

اگرچه از دیدگاه وبر انتقاد شده است، با این همه او همراه با مک لوهان از اولین کسانی بودند که تحول در روابط اجتماعی را که دردهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاده بود، تصدیق می‌کنند. این تغییرات را می‌توان به مثابه تضعیف اجتماع به مثابه محله و همسایگی و تولد دوباره آن به مثابه فضای مجازی در فرهنگ توده‌ای در حال ظهور تلقی نمود که در آن دیگر روابط اجتماعی تحت سیطره ساختارهای مجاورت نبود (گیلارد و هیگز، ۲۰۰۵: ۱۱۲).

در میان اندیشمندان اجتماعی هلر<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) تفسیر مشابهی از تحول اجتماع مطرح کرده است. به نظر وی پیچیدگی روزافزون جوامع، توسعه تکنولوژی‌ها و شیوه‌های زندگی متنوع و متحرک امروزی، اهمیت و معنای اجتماعات سرزمینی را تحت تأثیر قرارداده است (برادسکای و مارکس، ۲۰۰۱: ۱۶۲). رویال و روئی<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) یادآور شده‌اند که در جوامع مدرن جایگاه اجتماع سرزمینی تنزل یافته در حالیکه اهمیت اجتماع رابطه‌ای بیشتر شده است (همان).

<sup>1</sup>. Heller

<sup>2</sup>. Royal and Rossi

این دو برداشت از اجتماع که یکی بر روی قلمرو مشترک تأکید می‌کند و دیگری به پیوندهای مشترک و حس تعلق توجه دارد(چلبی، ۱۳۷۵)، هنوز هم محور اصلی اندیشه‌های اجتماعی امروز را تشکیل می‌دهد. همراه با تکامل مفهوم اجتماع که خود انعکاسی از تغییر تاریخی در ماهیت روابط اجتماعی و سازمان آن است، بحث‌های داغی در بین کسانی که برای اجتماع بنیان فیزیکی و سرزمینی<sup>۱</sup> قایل‌اند و آن‌هایی که اجتماع را به مثابه فرایند اجتماعی<sup>۲</sup> در نظر می‌گیرند، جریان دارد.

عامل سرزمینی در مرکز ایده‌های بوم‌شناختی<sup>۳</sup> و قوم‌شناسی<sup>۴</sup> از اجتماع قراردارد. در این دیدگاه بر روابط متقابل میان سرزمین و اجتماع انسانی تأکید می‌شود و فعالیت‌هایی نظیر احداث مرزهای فیزیکی(دیوارها و حصارها) به نیاز زیست‌شناختی انسان به امنیت و اشغال سرزمین مشخص، تفسیر می‌شود(هیلیر، ۲۰۰۲: ۴۴).

در مقابل، رهیافت بدیل مدعی است هویت‌ها<sup>۵</sup>، وفاداری‌ها<sup>۶</sup> و وابستگی‌های اقتصادی<sup>۷</sup> نمی‌توانند همگی به طور کامل با عینک محدود محلی و جغرافیایی درک شوند. بر طبق این دیدگاه، اجتماع، پدیده اجتماعی‌ای است مبتنی بر فرایندهای روان‌شناختی، اجتماعی، تعاملاتی و فرهنگی است که در بین مردم صورت می‌گیرد(همان). این طرز تلقی از اجتماع محققان اجتماعی را ترغیب نمود تا از تمرکز انحصاری بر محیط‌های جغرافیایی دست بردارند و در مفهوم‌سازی‌های خود به حس تعلق، همبستگی و امنیت توجه نمایند. بر طبق این رهیافت اجتماع تنها به مکان‌های جغرافیایی خاص محدود نیست بلکه می‌تواند غیرسرزمینی و مبتنی بر شبکه‌های روابط اجتماعی باشد. این نوع اجتماعات موجب دوستی می‌شوند، عزت نفس را تقویت می‌کنند، برای افراد حمایت‌های مادی و غیر مادی فراهم می‌سازند. هم اکنون بسیاری از افراد در اجتماعاتی که به حوزه جغرافیایی خاصی مربوط نیستند، وابسته می‌باشند. یعنی عضو اجتماعات رابطه‌ای هستند و در این اجتماعات هویت کسب کرده و حس اجتماع و تعلق را تجربه می‌کنند(سان و فیشر، ۱۹۹۶: ۴۱۷). بسیاری این تحول را به رشد روزافزون دانش علمی و پیشرفت‌های فنی که امکان ارتباطات سریع را میان فواصل دور امکان پذیر ساخته‌اند، نسبت می‌دهند. پیشرفت‌های فنی اخیر استفاده وسیع از ارتباطات به واسطه کامپیوتر<sup>۸</sup>(CMC) را ممکن ساخته است و امکان عضویت در اجتماعات مبتنی بر فرایند یا اجتماعات رابطه‌ای که وابسته به مکان جغرافیایی نیستند به روی ما

---

<sup>۱</sup>. Physical and territorial basis

<sup>۲</sup>. Social Process

<sup>۳</sup>. ecological

<sup>۴</sup>. ethnological

<sup>۵</sup>. identities

<sup>۶</sup>. loyalties

<sup>۷</sup>. economic dependencies

<sup>۸</sup>. computer- mediated communication<sub>(CMS)</sub>

گشوده است. پیشرفت‌های تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی، خصوصاً اینترنت زمینه مناسبی برای ایجاد محیط‌های مجازی را فراهم ساخته است که در آن افرادی که در مکان‌های مختلف پراکنده هستند می‌توانند برای شکل دادن به اجتماعات نوین با هم به تعامل بپردازنند. اکنون زمینه و ظرفیت لازم برای شکل‌گیری اجتماعات مجازی وجود دارد که تصور می‌شود می‌تواند بدیلی برای اجتماعات مبتنی بر مکان به شمار آیند.

### ۱. اجتماع مجازی<sup>۱</sup>

اجتماعات مجازی، گروه‌هایی از افراد هستند که عمدتاً از طریق ارتباطات کامپیوتری(CMC) با یکدیگر به تعامل می‌پردازنند و با پشتونه این ارتباطات، احساس تعلق<sup>۲</sup> و دلibiستگی<sup>۳</sup> را در گروه توسعه می‌دهند(بلانچارد، ۲۰۰۴: ۵۵). مفهوم «اجتماع مجازی» در مرکز توجه نظریه پردازانی قراردارد که نقش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی<sup>۴</sup>(ICTs) خصوصاً اینترنت را در زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند و به فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از این تحول می‌پردازند(دلنتی، ۲۰۰۳؛ رابینز و وبستر، ۱۳۸۵؛ برتون، ۱۳۸۰؛ کاستلز، ۱۳۸۰؛ اسلوین، ۱۳۸۰؛ محسنی، ۱۳۸۰). محیط‌های مجازی شامل سیستم‌های کنفرانس یا بولتن بورد<sup>۵</sup>، گفتگوهای اینترنتی<sup>۶</sup>، گروه‌های خبری<sup>۷</sup>، محیط‌های چند کاربره(MUD)<sup>۸</sup> و محیط‌های چند کاربره شیئی گرا(MOO) مهم‌ترین مصادیقه هستند که از آن‌ها به اجتماعات مجازی یاد می‌شود.

در عصر جهانی شدن، بحث اجتماع بدون در نظر گرفتن برخی ملاحظات درباره نقشی که تکنولوژی در شکل دهی مجدد روابط اجتماعی ایفا می‌کند، ناقص است. تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی بیان جدید و قدرتمندی از اجتماع ایجاد کرده‌اند که از همه اشکال پیشین اجتماع فراتر می‌رود. در گذشته تصور می‌شد، تکنولوژی اجتماع را تضعیف می‌کند، اما امروزه در عصر «تکنولوژی نرم‌افزاری»، اجتماع امکانات جدیدی فراوری خود می‌بیند و این امر یک رهیافت جدید از اجتماع را ضروری می‌سازد(دلنتی، ۲۰۰۳؛ به نقل از: امیر کافی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). اولین و مهم‌ترین نکته‌ای که درباره ظهور و پیدایش اجتماع مجازی به آن اشاره می‌شود این است که تکنولوژی را نمی‌توان به طور ساده وسایل و ابزار غیراجتماعی تعریف نمود، چرا که

<sup>1</sup>. virtual community

<sup>2</sup>. Feelings of belonging

<sup>3</sup>. attachment

<sup>4</sup>. information and communication technology

<sup>5</sup>. bulletin board

<sup>6</sup>. internet chat

<sup>7</sup>. Newsgroups

<sup>8</sup>. Multi- user Dungeons(MUD)

امروزه تکنولوژی اجتماعی شده است و از بسیاری موضوعات اخلاقی جدایی‌ناپذیر است. کاستلز(۱۳۸۰) با اشاره به نتایج پژوهش‌های جامعه‌شناختی درباره کاربردهای تکنولوژی به انعطاف‌پذیری اجتماعی هر نوع تکنولوژی تاکید می‌کند. به طور کلی مردم تکنولوژی را به گونه‌ای شکل می‌دهند که برای برآورده ساختن نیازهایشان مناسب باشد. حالت ارتباط گروهی از افراد با گروهی دیگر که ارتباط کامپیوترا نمایانگر آن است به شیوه‌های مختلف و با اهداف متفاوت به کار رفته است و می‌توان گفت که تعداد این شیوه‌ها و اهداف آن، به اندازه بافت و شرایط اجتماعی مختلفی که کاربران کامپیوترا دارند، متنوع است.

دومین نکته‌ای که در مورد اجتماعات مجازی نیاز است به آن اشاره شود این است که ما باید تمایز بین اجتماعات واقعی و تصوری را رها کنیم. همانطور که بندیکت اندرسون در کتاب مشهور خود اجتماعات تصوری<sup>۱</sup> نشان داده است، با آمدن مدرنیته، اجتماعات باید توانایی شناختی‌شان<sup>۲</sup> را توسعه دهند تا بتوانند خود را به تصویر کشند، این امر به این دلیل ساده صورت می‌گیرد که انواع اجتماعاتی که با مدرنیته شکل می‌گیرند؛ برای مثال ملت نمی‌تواند با ابزار سنتی چهره به چهره حفظ شوند(دلنتی، ۲۰۰۳: ۱۷۰). از دیدگاه اندرسون اجتماعات تصوری هستند، چون «اعضای حتی کوچکترین ملت نیز بیشتر هم‌قطاران خود را نخواهند شناخت، یا ملاقاتشان نخواهند کرد و یا حتی نکته‌ای در مورد آن‌ها نخواهند دانست، اما در اذهان هر یک از آن‌ها تصویری از اجتماع واحدشان زندگی می‌کند(اوژکریملی، ۱۳۸۳: ۱۷۶)». در اینجا شایسته است تاکید شود که به نظر اندرسون «تصور» مستلزم «کذب بودن» نیست. این دیدگاه دلالت بر این دارد که جوامع «واقعی» وجود دارند و به خوبی می‌توان آن‌ها را با ملت‌ها مقایسه نمود. با این حال، در واقع همه جوامع بزرگتر از روستاهایی که ارتباط شان رو در رو است، تصوری هستند.

رابرتز و دیگران(۲۰۰۲) استدلال می‌کنند، از آنجا که اجتماعات مجازی همانند بسیاری از اجتماعات در اذهان اعضای آن وجود دارد، به اجتماعات تصوری شبیه هستند. اجتماعات مجازی متفاوت از اجتماعات فیزیکی، از مفروضات فضایی عبور می‌کنند(محسنی، ۱۳۸۰)، نوعی فرافضا و فضای ذهن هستند(کاستلز و اینس، ۱۳۸۴). اجتماعات پویایی هستند که به جای مکان‌های مشترک<sup>۳</sup> بر علایق مشترک<sup>۴</sup> مبتنی هستند(ولمن و گولیا، ۱۹۹۹) اجتماعات مجازی مرزهای جغرافیایی ندارند و به جای واقعیت فیزیکی یک واقعیت اطلاعاتی را منعکس می‌سازند(رابرتز و دیگران، ۲۰۰۲). مسلماً این ویژگی‌ها، اجتماعات مجازی را از اجتماع سنتی

<sup>1</sup>: imagined communities

<sup>2</sup>: cognitive capacity

<sup>3</sup>: shared locations

<sup>4</sup>: shared interests

در نظریه تونیس متمایز می‌سازد. در نمونه آرمانی تونیس، اجتماع برای شرح واقعیت‌های صمیمانه به کار رفته است. یعنی جاییکه ارتباطات اجتماعی به نزدیکی مکانی و همچواری نیاز دارد و مفهوم اجتماع با مفهوم مکان ملازم است.

شایان ذکر است که علیرغم تفاوت‌های یاد شده، هوداران اجتماع مجازی علاوه‌نمند که ویژگی‌های نمونه آرمانی تونیس را به اجتماعات مجازی نسبت دهند و آن را با گمینشافت قیاس کنند. چنانکه برای مثال کریستینا ادون می‌گوید: «شبکه اینترنت بر اساس آن فضای جمعی قالب‌ریزی شده که زمانی با کانون خانواده، کلیسا و مرکز داد و ستد روستا پر می‌شد» اتصال به شبکه «ظاهراً آن حس مبهم تعلق را می‌خواهد دوباره برانگیزد که در هسته اجتماع سنتی قراردارد» (رابینز و بستر، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

آنچه را که ادون به طور خلاصه می‌گوید، هاوارد رینگولد در کتاب خود «اجتمعات مجازی» به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد. رینگولد معتقد است که تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی به ما شانس احیای اجتماعات را می‌دهد. به اعتقاد او آنچه در اثر تحرک از دست رفته است، اکنون می‌تواند با کمک صفحه کلید، مانیتور، پردازشگر و مودم دوباره ساخته شود (ویتل، ۲۰۰۱: ۶۲) و حتی امکاناتی که اجتماع مجازی در اختیار ما قرار می‌دهد بسی فراتر از اجتماع واقعی است، یافتن افرادی که سلیقه‌های مشابه دارند در فضای مجازی بسیار آسان‌تر است (بل، ۲۰۰۱: ۹۹). در اجتماعات مجازی افراد برای مبادله، بحث و لطیفه، مشارکت در بحث‌های روشنفکری، انجام تجارت، مبادله دانش، حمایت‌های احساسی، برنامه‌ریزی و... و بسیاری از امور دیگر از صفحه نمایشگر رایانه استفاده می‌کنند (رینگولد ۱۹۹۳؛ به نقل از: اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۳).

رینگولد اینترنت را به عنوان واقعیت جانشین برای واقعیت‌های موجود در نظر می‌گیرد که توان تغییر جامعه را دارد. اینترنت به جای تکمیل روابط موجود، سطح جدید و اساساً متفاوتی از تعامل ایجاد می‌کند. هر چند نمی‌توان منکر تفاوت‌های موجود میان «اجتماع مجازی و اجتماع واقعی» شد، با وجود این رینگولد به شکل استعاری زبان اجتماعات واقعی را به کار می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که او اجتماع مجازی را به عنوان نسخه تکنولوژیکی اجتماع سنتی می‌بیند. برای مثال تصور مکان در کتاب رینگولد خیلی قوی است و نگرشی از اینترنت را منعکس می‌سازد که می‌تواند اشکال سنتی مکان مانند روستا، خانه، همسایگی را مجدداً بازسازی کند. او تصور می‌کند که اینترنت برخلاف تکنولوژی‌های ارتباطی مدرنیته مانند پست و تلفن، می‌تواند فضاهای جدیدی ارائه کند که در آن اجتماع در اشکال معنadar دوباره بازسازی می‌شود. رینگولد در کتاب اجتماع مجازی در صدد قانع ساختن ما است به اینکه اینترنت ابزاری مدرن است نه فقط برای احیای حس اجتماع، بلکه همچنین در به دست آوردن اشتراک روحی حقیقی اهمیت دارد.

البته در مقابل چنین دیدگاه خوشبینانه‌ای در ارتباط با پیدایش و کارکردهای اجتماعات مجازی، رویکردهای دیگری نیز طرح شده‌اند که با تکیه بر تفاوت‌های بین اجتماعات مجازی و واقعی، منتقد کارکردها و توانایی‌های یادشده اجتماعات مجازی برای جایگزینی اجتماعات واقعی هستند. بل بر وظیفه محور بودن افراطی اجتماعات مجازی، محدودیت تعاملات برای تولید معانی گروهی ویژه و تفرق زیاد در آن‌ها به عنوان محدودیت‌های این اجتماعات اشاره می‌کند. از طرف دیگر رابینز سوالات جدی‌ای در ارتباط با نقش سیاست در این اجتماعات، عضویت فراغیر و ارادی و ماهیت روابط اعضا در این اجتماعات مطرح می‌کند. به باور او عرصه چنین اجتماعی عرصه اعمال نظم<sup>۱</sup>، واپس‌گرا و مبتنی بر انزوا است. استیو جونز نیز منتقد عدم توجه به کنش سیاسی و نظام قدرت در تحلیل چنین اجتماعاتی است که حفظ و تداوم آن‌ها را تصمیم می‌کنند (ر.ک بل، ۲۰۰۱).

در بخش‌های بعدی درباره محیط‌های مجازی بیشتر بحث خواهیم کرد و در این زمینه به پژوهش‌هایی می‌پردازیم که نحوه تکوین حس اجتماع مجازی را در این محیط‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند، اما نخست مفهوم‌سازی حس اجتماع را بررسی می‌کنیم که مبنای سنجش حس اجتماع مجازی را فراهم ساخته است.

#### ۴. حس اجتماع<sup>۲</sup>

حس اجتماع ابتدا در رشته روان‌شناسی اجتماع<sup>۳</sup> مطرح شد و به تدریج به علم مدیریت و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی شهری، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی راه یافت و به موضوع بین رشته‌ای بدل گردید. اهمیت حس اجتماع برای برنامه‌ریزان و محققان اجتماعی در این است که احساس مثبت به اجتماع می‌تواند روابط اجتماعی را تسهیل کند، با گمنامی و تنها‌یابی مقابله نماید و سلامت اعضا را بهبود بخشد (مایا و آرمیتاژ، ۲۰۰۷). این مفهوم برای تسهیل‌گرانی که به خود شکوفایی اعصابی اجتماع در محیط اجتماعی گرم<sup>۴</sup> علاقه مندند (کرانیک، ۲۰۰۲)، و به دنبال بالا بردن سطح مشارکت اجتماعی و پیوستن افراد به سازمان‌های داوطلبانه هستند، حائز اهمیت است (چاویس و واندرسمن، ۱۹۹۰)، حتی برخی از محققان در مفهوم‌سازی خود حس اجتماع را به عنوان معیاری برای ارزیابی سرمایه اجتماعی (پرتی و دیگران، ۲۰۰۶)، و همبستگی اجتماعی (بوکنر، ۱۹۸۸) به کار برده‌اند.

---

<sup>1</sup>. Domain of Order

<sup>2</sup>. Sense of community (soc)

<sup>3</sup>. community psychology

<sup>4</sup>. warm social environment

سارسن(۱۹۷۴) از اولین محققانی بود که مشخص ساخت کاهش حس اجتماع نیروی مخرب و ویرانگری است که زندگی افراد را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب از خودبیگانگی<sup>۱</sup>، خودخواهی<sup>۲</sup> و نالمیدی<sup>۳</sup> می‌شود(بس و دیگران، ۲۰۰۲). بر طبق نظر سارسن احساسات اعصابی اجتماع نسبت به یکدیگر و همچنین در مورد اجتماع بر عملکرد موقفيت‌آميز اجتماع تأثیر مثبت دارد. حس اجتماع از اين حیث اهمیت دارد که به رضایت از اجتماع و تعهد نسبت به آن می‌انجامد(بلانچارد، ۲۰۰۸). همچنین با درگیری بیشتر در فعالیتهای اجتماع و تلاش در جهت حل مشکلات آن مرتبط است(بلانچارد، ۲۰۰۸؛ چاویس و واندرسمن، ۱۹۹۰). از آنجا که حس اجتماع متأثر از سرمایه‌گذاری مادی و غیرمادی افراد در اجتماع است، به طور کلی این احساس آن‌ها را ترغیب می‌کند تا فعالانه در تحقق اهداف اجتماع مشارکت کنند و به عنوان اعصابی اجتماع ایفای نقش نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که دارای حس اجتماع قوی‌تر هستند، با احتمال بیشتر، در فعالیتهای سیاسی مانند رای‌گیری‌ها، و حل مسائل عمومی درگیر می‌شوند. به طور خلاصه تعهد نسبت به اجتماع افراد را به ارائه منابع‌شان برای رسیدن به منافع جمعی، تشویق و ترغیب می‌کند(گیلسپی و دیگران، ۲۰۰۸؛ همچنین نگاه کنید به دیویدسان و کانر، ۱۹۸۹: ۱۲۱-۱۲۲).

مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) سازه حس اجتماع را با تعریف آن به مثابه احساس عضویت، هویت، تعلق و دلبستگی به گروه، توسعه بیشتری دادند. چهارچوب توصیفی آن‌ها از حس اجتماع بهدلیل مبانی نظری و حمایت تجربی از آن، به شکل گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفت. مفهوم‌سازی مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) از حس اجتماع از چهار مولفه وابسته به هم ساخته شده است: عضویت<sup>۴</sup>، نفوذ<sup>۵</sup>، انسجام و رفع نیازها<sup>۶</sup>، و اتصال احساسی مشترک<sup>۷</sup>.

عضویت؛ عضویت از تلاش و سرمایه‌گذاری برای تبدیل شدن به یک عضو موثر گروه(اجتماع) حکایت می‌کند. عضویت بیانگر احساس فردی است که خود را بخشی از گروه می‌داند و به آن احساس تعلق می‌کند. عضویت دارای مرز است که خط فاصل کسانی را که به اجتماع تعلق دارند و کسانی که از چنین تعلقی برخوردار نیستند، مشخص می‌سازد. غالباً افراد برای خود مرزهایی ترسیم می‌کنند که از فضای شخصی‌شان حفاظت می‌کند. گروه‌ها اغلب از زبان، لباس و مناسک برای ایجاد مرزها استفاده می‌کنند. افراد برای حفاظت از خود در مقابل تهدیدات به این مرزبندی‌ها نیاز دارند(مک میلان و چاویس، ۱۹۸۶: ۹). مرزها یا سرحدها به ویژه برای

<sup>۱</sup>. alienation

<sup>۲</sup>. selfishness

<sup>۳</sup>. despair

<sup>۴</sup>. membership

<sup>۵</sup>. influence

<sup>۶</sup>. integration and fulfillment of needs

<sup>۷</sup>. shared emotional connection

اجتماعات محلی اهمیت دارند. تحقیقات اولیه درباره اجتماع بر مرزهایی که توسط ساکنان محلات و همسایگی‌ها ترسیم می‌شد، تمرکز داشت و از این طریق کسانی را که به محله تعلق داشتند و آن‌هایی که بیرون از آن قرار می‌گرفتند، مشخص می‌کرد. با این همه مرزها همیشه نمود آشکار ندارند، بلکه می‌توانند نامحسوس باشد. به طوریکه تنها توسط خود ساکنین تشخیص داده شود. مرزها چه محسوس یا نامحسوس به وجود آورنده پدیده جمعی به نام «ما» هستند. «ما» به معنای کسانی است که به آن‌ها اعتماد داریم، نسبت به آن‌ها وفادار هستیم و به آن‌ها در محافظت از منافع شان اشتراک مساعی داریم(رتومکا، ۱۳۸۶: ۱۵) علاوه بر این مرزها، «ما» را از «آن‌ها» جدا می‌سازد. با عضویت در «ما»، افراد در کنار کسانی قرار می‌گیرند که قابل اعتمادند، وفادارند و همیاری می‌کنند. از این رو دیگر دلیلی برای اضطراب و نگرانی آن‌ها وجود ندارد. عضویت علاوه بر تأمین امنیت<sup>۱</sup> و آرامش احساسی<sup>۲</sup>، منبع عمدہ‌ای برای هویت‌یابی نیز تلقی می‌گردد. احساس تعلق و هویت<sup>۳</sup> به معنای احساسی است که فرد شایسته عضویت در گروه است و در گروه موقعیتی در خور دارد. در واقع نوعی احساس پذیرش در گروه است و همچنین تمایل به فدایکاری به‌خاطر گروه است. هویت ممکن است در این عبارت بیان شود «آن گروه من است و من بخشی از گروه هستم» همچنین عضویت با سطح سرمایه‌گذاری شخصی<sup>۴</sup> و نظام نمادی مشترک<sup>۵</sup> مشخص می‌شود(مک میلان و چاویس، ۱۹۸۶: ۱۰).

نفوذ یک مفهوم دو سویه یا دو جهتی<sup>۶</sup> است. دریک سوی برداشتی وجود دارد که اعضا باید تا حدی بر آنچه در گروه اتفاق می‌افتد، تأثیر داشته باشند. از طرف دیگر همبستگی<sup>۷</sup> مشروط به توانایی گروه در تأثیرگذاری بر اعضایش است. در اینجا نیروهای به ظاهر متناقض یعنی استقلال فردی و همنوایی با گروه می‌تواند به طور همزمان عمل کرده و به تعادل برسند(مک میلان و چاویس، ۱۹۸۶: ۱۱). به عبارت دیگر در تعامل دو سویه بین اعضا و اجتماع، اعضا می‌توانند از طریق بیان عقاید و احساسات خود<sup>۸</sup> ابراز وجود کنند. آن‌ها قادرند بر روی اعضای دیگر و بدین ترتیب بر روی اجتماع تأثیر بگذارند، اما به طور همزمان اعضا نیز تحت تأثیر و نفوذ اجتماع قرار دارند که با هم آن را ساخته‌اند.

انسجام و برآورده شدن نیازها: سومین مؤلفه در تعریف مک میلان و چاویس از حس اجتماع، انسجام و برآورده شدن نیازها است. مؤلفه مذبور را می‌توان معادل اصطلاح «تقویت<sup>۹</sup>» در نظر

<sup>1</sup>. security

<sup>2</sup>. emotional safety

<sup>3</sup>. the sense of belonging and identification

<sup>4</sup>. Personal investment

<sup>5</sup>. common symbol system

<sup>6</sup>. bidirectional concept

<sup>7</sup>. cohesiveness

<sup>8</sup>. self-expression

<sup>9</sup>. reinforcement

گرفت. تقویت‌کننده‌ها به عنوان عامل تحریک کننده رفتار، سنگ بنای تحقیقات رفتاری هستند. این نکته آشکار است که هر گروهی که بخواهد حس مثبت با هم بودن<sup>۱</sup> را حفظ کند، باید رابطهٔ فرد- گروه<sup>۲</sup> برای اعضا آن گروه پاداش دهنده باشد.

و نهایتاً اتصال احساسی مشترک<sup>۳</sup> تا حدی بر تاریخ مشترک مبتنی است. مؤلفهٔ مزبور به این واقعیت ارجاع دارد که اعضا در اجتماع در تجربیات مهمی سهیم هستند. این تجربیات که می‌توانند مثبت یا منفی باشند، بخشی از شرح حال و زندگی نامه مشترک اجتماع است که به اتحاد اعضا و جامعه‌پذیر کردن اعضای جدید کمک می‌کند.

مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) ادعا می‌کنند که تعریف آن‌ها از حس اجتماع دارای چند ویژگی است که در تعاریف ارائه شده از این مفهوم مشاهده نمی‌شود. آن‌ها معتقدند که تعریف آن‌ها صریح و روشن است، انضمایی است، اجزا و بخش‌های آن قابل تشخیص و شناسایی است، بر گرما و صمیمیت موجود در مفهوم حس اجتماع تاکید شده است. همچنین توصیف پویایی از توسعه آن ارائه می‌کند و نهایتاً اذعان دارند که تعریف و مفهوم‌سازی آن‌ها از حس اجتماع به همه اندیشه‌ها و گروه‌های حرفه‌ای( محله و همسایگی) و اجتماعات رابطه‌ای( محل کار، مدارس و دانشگاه‌ها و گروه‌های خاطرنشان ساخت که این ویژگی به محققان اجازه داد تا بتوانند حس اجتماع را در اجتماعات مجازی مورد بررسی قرار دهند و در این زمینه به یافته‌های جدیدی دست یابند.

## ۵. بررسی حس اجتماع در محیط‌های مجازی<sup>۴</sup>

طی دو دهه گذشته، مطالعات زیادی در مورد حس اجتماع مجازی صورت گرفته است. اکثر این تحقیقات بر محورهای مهم و مشترکی مانند وجود یا عدم وجود حس اجتماع مجازی، مقایسه حس اجتماع مجازی با حس اجتماع که اعضای اجتماعات مکانی تجربه می‌کنند، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری و توسعه حس اجتماع مجازی و سرانجام رابطه اجتماعات مجازی با اجتماعات واقعی تمرکز داشته‌اند. به دلیل دامنه و گستره تحقیقات انجام گرفته نمی‌توان بررسی جامعی از همه آن‌ها ارائه کرد، لذا در ادامه به سه مورد از مهم‌ترین پژوهش‌ها، رابرتس و همکاران(۲۰۰۲)، بلانچارد و مارکوس(۲۰۰۴) و بلانچارد(۲۰۰۸) در این ارتباط خواهیم پرداخت.

<sup>1</sup>. positive sense of togetherness

<sup>2</sup>. individual- group association

<sup>3</sup>. shared emotional connection

<sup>4</sup>. Sense of virtual community(SOVC)

۱-۵. تجربه حس اجتماع مجازی در محیط های چند کاربردی شیئی گرا(MOO)<sup>۱</sup> رابرترز، اسمیت و پولاک(۲۰۰۲) در بررسی خود با استفاده از چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) حس اجتماع را در محیط های چند کاربردی شیئی گرا مورد مطالعه قرار دادند. انتخاب فضای چند کاربردی شیئی گرا از این حیث حائز اهمیت است که شکل گیری اجتماع مجازی را به بهترین وجه امکان پذیر می سازد. محیط های چند کاربردی شیئی گرا یک نوع محیط مجازی در اینترنت، مشابه یک بازی مبتنی بر MUD است، اما نوشته شده در یک زبان مبتنی بر اشیاء که معمولاً بیشتر بر برنامه نویسی تمرکز دارد تا بازی. رابرترز و همکاران بر این باورند که MOO هایی که دارای جهت گیری اجتماعی هستند در میان محیط های مجازی بر روی اینترنت، بیش از همه به اجتماعات واقعی شباهت دارند(رابرترز و همکاران ۲۰۰۲: ۲۲۶). در این محیط ها افراد می توانند از مکان های مختلف جغرافیایی به طور همزمان از طریق کامپیوتر و مودم به هم متصل گردند و با ارتباط متن بنیاد<sup>۲</sup> در مورد موضوعات مورد علاقه به بحث بپردازند(همان).

پژوهش رابرترز و همکاران مشخصه های روش کیفی را دارد و از روش شناسی نظریه مبنای<sup>۳</sup> بهره می گیرد. افراد نمونه از میان اعضای MOO انتخاب شدند. این انتخاب بر اساس دانش آنها از پدیده مورد علاقه و توانایی شان در بیان تجربیات صورت گرفت. در این پژوهش با توجه به حساسیت نظری و با در نظر داشتن منطق و هدف رویه کدگزاری در نظریه مبنای در مجموع با ۵۴ نفر از هشت MOO اجتماعی<sup>۴</sup> مصاحبه شد، مصاحبه ها نیمه ساخت یافته بودند که طی آن شرکت کنندگان از تجربه خود در MOO سخن می گفتند.

یافته های تحقیق نشان داد که اکثر کاربران MOO اعتقاد دارند که حس اجتماع در MOO ها وجود دارد. از میان کاربران MOO که به سوالات مربوط به وجود حس اجتماع پاسخ گفته بودند ۸/۵ درصد احساس می کردند که در MOO ها حس اجتماع وجود ندارد، ۱۲/۸ درصد در این مورد مطمئن نبودند، در حالیکه ۷۸ درصد از آنها به وجود حس اجتماع باور داشتند. رابرترز و همکاران از یافته های بدست آمده نتیجه گرفتند که «حس اجتماع می تواند بدون اینکه الزامی به وجود اجتماع مکانی باشد و بدون نیاز به تعامل رودررو ایجاد گردد». همچنین مقایسه محتوای مقوله های حس اجتماع در مطالعه رابرترز و همکاران با چهار مؤلفه اصلی حس اجتماع در چارچوب مفهومی مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) آشکار ساخت که احساس عضویت، نفوذ،

---

<sup>1</sup>. Multi- user Dimension or Dungeon, object oriented(MOO)

<sup>2</sup>. text based(typed) communication

<sup>3</sup>. grounded theory methodology

<sup>4</sup>. Social Moos

انسجام و برآورده شدن نیازها و اتصال احساسی مشترک در اجتماعات MOO وجود دارد. البته ادراک کاربرهای MOO در مورد سطحی که در آن حس اجتماع تجربه می‌گردد، متفاوت بود. در حالیکه برای بعضی از شرکت‌کنندگان در میدان‌های چندکاربردی شیئی‌گرا، MOO بخشی از یک اجتماع بزرگتر به حساب می‌آمد، برای بعضی دیگر از کاربرها، هر MOO یک اجتماع متمایز بود. گروه سومی از کاربرها نیز اجتماعات چندگانه‌ای را در MOO درک می‌کردند. به باور رابرتز و همکاران این نقطه‌نظرهای متفاوت کاربران، ضرورتاً مغایر و ناسازگار نیستند و نمونه‌های مشابهی در زندگی واقعی<sup>۱</sup> دارند. برای مثال ما ممکن است در اجتماعات مبتنی بر مکان از حس اجتماع در درون یک محله، یک شهر و یک کشور صحبت کنیم. همچنین در برابر این یافته پژوهش که همه کاربرهای MOO حس اجتماع را تجربه نمی‌کنند، می‌توان ادعا نمود که این وضعیت در اجتماعات مکانی نیز مشاهده می‌شود. چرا که ممکن است علیرغم زندگی در اجتماعات مکانی، همه اعضای آن خود را بخشی از اجتماع احساس نکنند.

برخی از جالب‌ترین یافته‌های رابرتز و همکاران به رابطه حس اجتماع مجازی با اجتماعات مکانی مربوط بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که حس اجتماع مجازی بر حسب درجه انطباق یا همپوشی اجتماعات<sup>۲</sup>، تأثیر متفاوتی بر اجتماعات مکانی دارد. درجایکه اجتماعات مجازی کاملاً از اجتماعات مکانی جدا هستند، که این جدایی می‌تواند ناشی از اراده و اختیار اعضای MOO باشد یا ناشی از شرایط دورافتادگی و پراکندگی جغرافیایی باشد، حس اجتماع افراد نسبت به اجتماعات مکانی تغییر نخواهد کرد، اگر چه ممکن است مشارکت اجتماعی کاهش یابد. برای این دسته از کاربرهای MOO، فعالیت در فضای مجازی تأثیر چندانی بر احساس آن‌ها نسبت به اجتماع مکانی ندارد. با این همه این امر محتمل است که هر قدر اعضای MOO اوقات بیشتری را در فضای مجازی سپری کنند در مقابل وقت کمتری را به فعالیت‌های اجتماعی اختصاص دهند. در مقابل هنگامی که درجه بالایی از همپوشی بین اجتماعات مجازی و اجتماعات مکانی وجود دارد، تجربه حس اجتماع مجازی این امکان را می‌یابد که حس اجتماع را در اجتماعات مکانی افزایش دهد. در این حالت اعضای اجتماع مجازی اکثرًا از ساکنان محلی هستند و به طور طبیعی تعامل آن‌لاین، روابط رو در رو را تقویت یا تکمیل می‌کند. برای مثال ممکن است اعضای اجتماع محلی به اعضای MOO معرفی شوند یا ممکن است فرد اعضای اجتماع محلی خود را در MOO ملاقات کند یا فرد با اعضای MOO در محیط‌های واقعی دیدار داشته باشد. در هر حال در چنین شرایطی حس اجتماع و مشارکت اجتماعی در اجتماعات چندگانه (اجتماعات مجازی و مکانی) افزایش می‌یابد.

---

<sup>1</sup>. off - line

<sup>2</sup>. overlap of communities

سرانجام شکل سومی وجود دارد که در آن اجتماع مجازی جانشین اجتماع مکانی می‌شود. نتایج تحقیق رابرترز و همکاران نشان داد که برخی از کاربران MOO بیش از ۵۰ ساعت در هفته، وقت خود را صرف محیط‌های مجازی می‌کنند. مشارکت گسترده در محیط‌های مجازی زمان کمی را برای پرداختن به فعالیت‌ها در اجتماعات مکانی باقی می‌گذارد. در واقع می‌توان گفت که زندگی این دسته از کاربران عمدتاً حول محور اینترنت سازمان می‌یابد و در این میان تجربه حس اجتماع در MOO نقش برجسته‌ای پیدا می‌کند. برای این گروه حس اجتماع در اجتماعات مجازی به تدریج جای حس اجتماع در اجتماعات مکانی را می‌گیرد.

#### ۵-۲- تجربه حس اجتماع در گروه‌های خبری

بلانچارد و مارکوس(۲۰۰۴) در تحقیق خود در پی پاسخ به این سؤال بودند که آیا حس اجتماع که در برخی محیط‌های مجازی<sup>۱</sup> مشاهده می‌شود با آنچه که در اجتماعات با روابط چهره به چهره<sup>۲</sup> وجود دارد، شبیه است یا نه؟ آن‌ها برای سنجش حس اجتماع مجازی از چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) بهره گرفتند و با آزمون آن امکان مقایسه بین دو نوع اجتماع مکانی و اجتماع مجازی را فراهم ساختند. آن‌ها به تأسی از جانز(۱۹۹۷) حس اجتماع را به عنوان معیار و ضابطه‌ای برای تفکیک محلات<sup>۳</sup> از اجتماعات محلی<sup>۴</sup> در نظر گرفتند. از این دیدگاه تنها هنگامی محله مسکونی به اجتماع محلی تبدیل می‌شود که حس اجتماع توسط ساکنین تجربه گردد و رفتارهای اجتماعی(مانند کمک و حمایت کردن) مشاهده شود. آن‌ها با تکیه بر این تمایز، نکات مشابهی را درباره تفاوت بین سکونت‌گاه‌های مجازی<sup>۵</sup> و اجتماعات مجازی مطرح ساختند. بر طبق نظر بلانچارد و مارکوس سکونت‌گاه‌های مجازی هنگامی شکل می‌گیرد که تعداد پیام‌ها<sup>۶</sup>، نسبت ارتباطات عمومی<sup>۷</sup>، نسبت اعضای فعل<sup>۸</sup> و تداوم مشارکت<sup>۹</sup> از سطح معینی فراتر رود. با این همه تنها آن دسته از سکونت‌گاه‌های مجازی که اعضای آن‌ها باندهای عاطفی<sup>۱۰</sup> را توسعه دهند، به عنوان اجتماعات مجازی توصیف می‌شوند. از این رو مشابه با ادبیات مربوط به اجتماعات مکانی، آن‌ها نتیجه می‌گیرند که همه سکونت‌گاه‌های مجازی اجتماعات مجازی نیستند و آنچه این دو را از هم متمایز می‌کند، وجود باندها و پیوندهای عاطفی است.

---

<sup>1</sup>. virtual settings

<sup>2</sup>. face to face communities

<sup>3</sup>. Place – based neighborhoods

<sup>4</sup>. local communities

<sup>5</sup>. virtual settlements

<sup>6</sup>. number of messages

<sup>7</sup>. proportion of public communications

<sup>8</sup>. proportion of active members

<sup>9</sup>. continuity of participation

<sup>10</sup>. affective bonds

بلانچارد و مارکوس برای سنجش حس اجتماع مجازی، گروههای خبری<sup>۱</sup> را که فضایی مجازی برای گفتگو، تعامل و بازی فراهم می‌سازد، مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها به طور مشخص به تحقیق در مورد گروههای خبری ورزشی چند کاربردی(MSN)<sup>۲</sup> پرداختند که اعضای آن به آموزش و مشارکت در امور ورزشی(شنا، دو، دوچرخه سواری) علاقمندند. در زمان مطالعه این گروه خبری در حدود ۱۷۰۰۰ خواننده در روز داشت و به طور متوسط ۱۰۰ پیام در روز به گروه پست می‌شد.

بلانچارد و مارکوس اعضای MSN را بر اساس سطح فعالیتشان به سه دسته، رهبران<sup>۳</sup> شرکت‌کنندگان معمولی<sup>۴</sup> و افراد منفعل<sup>۵</sup> تقسیم نمودند. رهبران شامل اعضاًی بودند که خود را رهبر معرفی می‌کردند و یا بر اساس میزان تأثیرگذاری‌شان در گروه، محققان و سایر شرکت‌کنندگان آن‌ها را به عنوان رهبر در نظر می‌گرفتند. مشارکت‌کنندگان معمولی اعضاًی را شامل می‌شدند که پیام‌ها را می‌فرستادند اما خود را به عنوان رهبر معرفی نمی‌کردند یا دیگران چنین تلقی از آن‌ها نداشتند و نهایتاً افراد منفعل، اعضاًی بودند که پیام‌ها را می‌خوانند اما به ندرت پیامی به گروه می‌فرستادند. شرکت‌کنندگان در MSN غالباً اعضاًی با ثبات بودند که به یکدیگر مراجعه می‌کردند و رخدادهای ورزشی را مورد بحث قرار می‌دادند. این تعاملات به طور معمول آگاهی مشترک آن‌ها را از تاریخ گروه و اعضاًی خاص افزایش می‌داد. علاوه بر این در طول مشاهدات اولیه مشخص گردید که اعضاًی MSN سطحی از دوستی را در تعاملاتشان آشکار می‌ساختند که حاکی از وجود حس اجتماع بود.

گذاری اطلاعات در این پژوهش از طریق بررسی پیام‌های فرستاده شده به گروه و مصاحبه با ده عضو از گروه صورت گرفت، مصاحبه‌ها نیمه‌ساخت‌یافته بودند که هر سه گروه از شرکت‌کنندگان را در بر می‌گرفت.

نتایج تحقیق نشان داد که اعضاًی MSN بر این باورند که گروه خبری آن‌ها یک اجتماع است. با این همه حس اجتماع در میان آن‌ها یکسان نبود و دلبستگی آن‌ها با توجه به سطح مشارکت‌شان تفاوت داشت. تفاوت‌ها به گونه‌ای بود که اعضاًی فعال مانند رهبران در MSN احساس مثبت‌تری نسبت به گروه نشان می‌دادند و پس از آن مشارکت‌کنندگان معمولی و افراد منفعل قرار داشتند. یکی از رهبران تجربه خود را این‌گونه گزارش کرده است: «چیزهای زیادی از اجتماع آموخته‌ام، در زمینه آموزش از من حمایت زیادی شده است، توانسته‌ام روابط خود را توسعه دهم، حتی نمی‌توانم احساس شبه‌مذهبی خود را نسبت به MSN پنهان دارم». نتایج

<sup>۱</sup>. Newsgroups

<sup>۲</sup>. Multiple sport newsgroups(MSN)

<sup>۳</sup>. leaders

<sup>۴</sup>. Participants

<sup>۵</sup>. lukers

پژوهش بلانچارد و مارکوس نشان داد که حس اجتماعی مجازی (sovc) در گروه‌های خبری ورزشی چند کاربردی (MSN) توسعه پیدا می‌کند و در این مورد حس اجتماعی مجازی با حس اجتماعی که در برخی از اجتماعات جغرافیایی<sup>۱</sup> و اجتماعات علایق<sup>۲</sup> مشاهده می‌شود، شبیه است. علاوه بر این مقایسه نتایج نشان داد که مشاهدات بلانچارد و مارکوس از حس اجتماعی مجازی در MSN با چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس شباهت دارد.

جدول ۱ ابعاد توصیفی حس اجتماعی (soc) را که توسط مک میلان و چاویس مطرح شده است، با آنچه که بلانچارد و مارکوس در تحقیق خود به آن دست یافتند، نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود، احساس عضویت در چارچوب مفهومی مک میلان و چاویس به شکل شناخت سایر اعضا در MSN تجربه می‌گردد. همچنین انسجام و برآورده شدن نیازها، دقیقاً با تجربه حمایت در MSN مطابقت دارد. و سرانجام اعضای MSN اتصال احساسی مشترک را به دو شکل در MSN تجربه می‌کنند: دلبستگی به گروه<sup>۳</sup> به عنوان یک کل و حس تعهد و الزام<sup>۴</sup> به وجود گروه. با این همه تفاوت‌هایی نیز بین حس اجتماعی مجازی (sovc) و حس اجتماعی (soc) وجود دارد که از جمله می‌توان به احساس نفوذ و هویت اشاره نمود. در پژوهش بلانچارد و مارکوس شرکت‌کنندگان نکته‌ای دال بر اینکه بر اعضای گروه نفوذ دارند یا تحت تأثیر آن‌ها هستند گزارش نکردند، درحالیکه در چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس این احساس دارای اهمیت است. علاوه بر این اعضای گروه مجازی احساس می‌کردند که دیگر شرکت‌کنندگان در گروه را می‌شناسند و رابطه با اعضای خاص در گروه برای آن‌ها اهمیت دارد. نکته‌ای که در دیدگاه مک میلان و چاویس کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. بلانچارد و مارکوس این تفاوت‌ها را ناشی از ماهیت تعامل در محیط آن‌لاین می‌دانند. به باور آن‌ها اعضای اجتماعات مجازی در ارتباطات به واسطه کامپیوتر به دلیل گمنامی احتمالاً توجه و کنکاش بیشتری درباره حقیقت هویت دیگران نشان می‌دهند. از این رو در رشد و توسعه حس اجتماعی مجازی نیاز بیشتری به شناختن افراد خاص و توسعه روابط با آنها وجود دارد.

---

<sup>1</sup>: geographic communities

<sup>2</sup>: communities of interest

<sup>3</sup>: attachment of the group

<sup>4</sup>: sense of obligation

جدول شماره ۱ مقایسه SOVC، SOC

ابعاد MSN در SOVC	ابعاد SOC در چارچوب مک میلان و چاویس
- شناسایی اعضاء	- احساس عضویت - احساس نفوذ
- مبادله حمایت	- انسجام و برآورده شدن نیازها
- دلیستگی - الزام و تعهد	- اتصال احساسی مشترک
- هویت خود و هویت دیگران - رابطه با اعضای خاص	—

شایان ذکر است که بلاتچارد(۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های تحقیق خود با مارکوس به بررسی تأثیر اجتماعات مجازی بر اجتماعات واقعی پرداخت و در این زمینه رابطه بین تعاملات آن‌لاین با سرمایه اجتماعی را مورد توجه قرار داد. مسئله محوری در این تحقیق این بود که مشارکت در اجتماع مجازی چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی در اجتماعات با روابط چهره به چهره دارد. بهویژه عضویت در اجتماعات مجازی MSN چگونه بر سه مولفه سرمایه اجتماعی یعنی شبکه روابط اجتماعی اعضاء، هنجارهای مربوط به رفتار مناسب و اعتماد در اجتماعات واقعی تأثیر می‌گذارد.

نتایج تحقیق نشان داد که مشارکت در MSN تأثیر عامی (ثبت یا منفی) بر سرمایه اجتماعی در اجتماعات واقعی ندارد. داده‌ها حکایت از آن داشت که مشارکت افراد مختلف در MSN تأثیر متفاوتی بر سرمایه اجتماعی دارد. چنانکه برای مثال اعضای فعال در MSN همانند رهبران و مشارکت‌کنندگان معمولی، در اجتماعات با روابط چهره به چهره (گروههای نژادی و گروههای ورزشی محلی) نیز فعال بودند، از طرف دیگر افراد منفعل در MSN که اکثریت اعضای گروه را تشکیل می‌دادند در اجتماعات واقعی نیز مشارکت چندانی نداشتند. یافته‌های بلاتچارد در مورد رابطه بین تعاملات آن‌لاین با سرمایه اجتماعی با یافته‌های سایر محققان از جمله ولمن (۲۰۰۱) همخوانی دارد. پژوهش ولمن نشان داد، افرادی که در اجتماعات مجازی فعالند، کسانی هستند که قبلًا تماس‌های رودرروی فراوانی داشتند و با فعالیت در فضای مجازی در واقع درصد تکمیل روابط قبلی خود هستند نه جانشین کردن آن (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

### ۳-۵. نحوه‌ی شکل گیری و تکوین حس اجتماع در اجتماعات مجازی

اگر چه توصیف حس اجتماع مجازی و مقایسه آن با حس اجتماع مهم است، اما آنچه در این زمینه اهمیت بیشتری دارد، تبیین پدیده است که به ما اجازه می‌دهد تا روابط علت و معلولی را بررسی کنیم.

اخيراً بلانچارد(۲۰۰۸) چشم انداز تحقیق خود را با مطالعه دیگری گسترش داده است. در این مطالعه او به طرح این سؤال می‌پردازد که چگونه حس اجتماعی مجازی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد؟ بلانچارد با استفاده از تئوری‌های هویت اجتماعی، مبادله اجتماعی و توسعه هنجرهای گروهی کوشیده است تا چگونگی تکوین حس اجتماعی مجازی را تبیین نماید.

مطابق تئوری هویت اجتماعی هویت شخصی<sup>۱</sup> در فهم پیامدهای رفتاری و عاطفی در تعاملات آن‌لاین<sup>۲</sup> نقش مهمی ایفا می‌کند. شواهد موجود حاکی از این است که در تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی که اجتماعات مجازی را ایجاد می‌کند و از آن حمایت می‌نماید در مقایسه با ارتباطات رو در رو علائم اجتماعی کمتری<sup>۳</sup> وجود دارد. با این همه علائم و سرنخ‌های محدود، ضرورتاً به این معنا نیست که هویت در ارتباطات به واسطه کامپیوتر در مقایسه با تعاملات چهره به چهره اهمیت کمتری دارد.

بر طبق نظریه پردازش اطلاعات اجتماعی<sup>۴</sup>(والتر، ۱۹۹۵، ۱۹۹۲) با وجود سرنخ‌های شخصی اندک، توسعه روابط در تعاملات آن‌لاین شبیه به روابط چهره به چهره است، تنها با این تفاوت که در تعاملات آن‌لاین زمان بیشتری برای یافتن این سرنخ‌ها نیاز است. در نظریه مذبور ارتباطات بین فردی به عنوان فرایندی در حال پیشرفت در نظر گرفته می‌شود که در آن کاربران یاد می‌گیرند که چگونه پیام موردنظر خود را از طریق متن منتقل کنند و چگونه به رمزگشایی کلامی وغیرکلامی مبتنی بر متن پیردازند(دهقان، نیکبخش، ۱۳۸۵: ۶).

در مدل تحلیلی بلانچارد، آگاهی از هویت دیگران و شکل‌گیری هویت فرد در گروه به طور بالقوه با حس اجتماعی مرتبط‌اند. همانطور که اعضا از هویت دیگران آگاهی پیدا می‌کنند. برای مثال از طریق استفاده از ویژگی‌های فنی نظیر فایل امضا، آن‌ها همچنین اطلاعاتی درباره خودشان با بهره‌گیری از همین امکانات فنی، ارائه می‌کنند. همچنانکه آن‌ها به هویت دیگران پی می‌برند، در می‌یابند که دیگران هم از هویت آن‌ها مطلع می‌شوند. از خلال همین فرایند شکل‌گیری هویت‌ها و آشنایی اعضای اجتماع مجازی با یکدیگر است که همبستگی اجتماعی و حس اجتماع مجازی ایجاد می‌گردد و توسعه می‌یابد.

طبق تئوری مبادله اجتماعی، در واقع مبادله حمایت<sup>۵</sup> دلیل بسیار مهمی برای شکل‌گیری بسیاری از اجتماعات مجازی است. شیوه‌های متعددی وجود دارد که در آن اعضا در اجتماعات مجازی به یکدیگر کمک می‌کنند و از یکدیگر حمایت می‌نمایند. حمایت ممکن است به شکل عمومی انجام گیرد، یعنی پیام‌ها(به شکل طرح درخواست‌ها و سوالات و ارائه پاسخ‌ها و ...) به کل گروه فرستاده(پست) شود تا

<sup>۱</sup>. Personal identity

<sup>۲</sup>. online interaction

<sup>۳</sup>. fewer social cues

<sup>۴</sup>. Social information processing theory

<sup>۵</sup>. exchange of support

همه اعضا بتوانند آن را بخوانند. همچنین ممکن است به شکل خصوصی از طریق پست الکترونیکی<sup>۱</sup> صورت گیرد که در این وضعیت تنها دو نفر درگیر مبادله خواهند بود. ولمن و گولیلا(۱۹۹۹) معتقدند که مبادله عمومی حمایت در مقایسه با مبادله دو نفره، درک افراد را در مورد اینکه گروه حمایت کننده<sup>۲</sup> است ، تقویت می کند. در مبادله عمومی به خاطر اینکه هر کسی می تواند پیام<sup>۳</sup> را بخواند، همه اعضا حتی کسانی که در ایجاد آن فعال نبوده‌اند، از مبادله سود می برند. تئوری مبادله اجتماعی یکی از تئوری‌های اساسی در فهم رفتار بین افراد و درون گروه‌ها است، این تئوری تبیین می کند که چرا مردم به یکدیگر کمک می کنند، چرا آن‌ها به مبادله اطلاعات می پردازند و از یکدیگر حمایت می نمایند و ... علاوه بر این بر طبق تئوری مبادله اجتماعی دلبستگی عاطفی<sup>۴</sup> تحت تأثیر موجودیتی<sup>۵</sup> است که افراد با آن به مبادله حمایت می پردازنند. به عبارت دیگر اگر مبادله به صورت دوتایی<sup>۶</sup> باشد، دلبستگی بین دو شریک باقی می ماند. اما اگر مبادله به شکل غیر مستقیم و در گروه یا سازمان صورت گیرد، دلبستگی به گروه یا سازمان شکل می گیرد. بنابر آنچه گفته شد، می توان اینگونه فرضیه‌سازی کرد که مبادله حمایت، در اجتماع مجازی به شکل مثبت با حس اجتماع مجازی رابطه دارد.

طبق مدل تحلیلی بلانچارد، اگر بپذیریم که فرایندهای هویت اجتماعی و مبادله اجتماعی به رشد و توسعه حس اجتماع مجازی کمک می کنند، حال سوال این است که چه مکانیسمی وجود دارد که از طریق آن، فرایندهای مزبور به حس اجتماع مجازی منجر می شود؟ توسعه و تبعیت از هنجرهای گروهی احتمالاً به عنوان یک میانجی گر<sup>۷</sup> این رابطه محسوب می شود. در اینجا شکل گیری هنجرها تابع فرایندهای هویت اجتماعی و مبادله اجتماعی است. افرادی که به طور طبیعی اجتماعات مجازی را شکل می دهند و در طول زمان از هویت یکدیگر آگاهی می یابند هم‌زمان به بازتولید هنجرهای اجتماعی جهان واقعی و همچنین به آفرینش هنجرهای اجتماعی در فضای مجازی می پردازند(کوثری، ۱۳۸۴). آن‌ها هنجرهای رفتاری را ایجاد می کنند و خود را ملزم به رعایت آن‌ها می دانند.

کراپانزانو و میشل(۲۰۰۵) به طور مشابهی استدلال می کنند که در مبادله اجتماعی نیز افراد قواعد خاص مبادله را توسعه می دهند و سپس خود را ملزم به رعایت آن‌ها دانسته و بر حسن اجرای آن نظارت می کنند. این هنجرها به مثابه خطوط راهنمای در زمینه تعاملات عمل می کنند. هنجرهای رفتاری می تواند همچنانکه افراد در مبادله شرکت می کنند یا از طریق نظارت بر تعاملات افراد دیگر رشد و توسعه یابد.

<sup>1</sup>. email

<sup>2</sup>. supportive group

<sup>3</sup>. message

<sup>4</sup>. affective attachment

<sup>5</sup>. entity

<sup>6</sup>. dyadic

<sup>7</sup>. mediator

مک میلان و چاویس(۱۹۸۶) معتقدند که هنجارها در اجتماعات با روابط چهره به چهره حس اجتماع را افزایش می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها با همبسته‌تر شدن اجتماع، فشار قوی‌تری بر روی اعضای اجتماع برای همنوایی اعمال می‌شود. این فشار نوعی وفاق در میان اعضای اجتماع ایجاد می‌کند، و احساسی در میان اعضا که «ما همانند هستیم» ایجاد می‌گردد. در واقع هم‌چنانکه اعضا از هنجارهای اجتماع تبعیت می‌کنند، پیوندهای آن‌ها نسبت به اجتماع نیز قوی‌تر می‌شود. از این رو در اجتماعات با روابط چهره به چهره، شکل‌گیری، توسعه و پیروی از هنجارها بر حس اجتماع مقدم است. بلانچارد معتقد است که روند مشابهی در شکل‌گیری و توسعه حس اجتماع مجازی نیز وجود دارد. او در مدل تحلیلی خود هنجارها را به عنوان متغیر واسطه یا مداخله‌گر معرفی می‌کند به این معنا که این متغیر رابطه بین فرایندهای هویت اجتماعی و مبادله اجتماعی را از یک طرف و حس اجتماع مجازی را از طرف دیگر میانجی‌گری می‌کند.

بلانچارد به منظور آزمودن فرضیه‌های تحقیق به انجام دو مطالعه پیمایشی پرداخت. در مطالعه اول، نمونه تحقیق شامل ۲۱۶ نفر از اعضای پنج گروه آن‌لاین<sup>۱</sup> بود. در این میان دو گروه از فهرست پست تجاری<sup>۲</sup> و سه گروه از گروه‌های خبری<sup>۳</sup> انتخاب شدند. وجه مشترک گروه‌ها این بود که همگی اهداف اجتماعی را دنبال می‌کردند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۴۸ سال( $SD=11/9$ ) بود. ۶۲ درصد از شرکت‌کنندگان زن بودند و ۵۵ درصد از آن‌ها به گروه‌های خبری تعلق داشتند. در مطالعه دوم افراد نمونه ۲۷۷ نفر از اعضای بولتن بوردها بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۹ سال( $SD=4/29$ ) بود و ۹۹ درصد از پاسخگویان زن بودند.

علیرغم تفاوت‌هایی که میان این دو مطالعه وجود داشت(جامعه آماری، نمونه تحقیق و ...) نتایج تحقیق نشان داد که داده‌ها از فرضیه‌های اصلی تحقیق حمایت می‌کند. تأثیر مثبت مبادله حمایت بر حس اجتماع مجازی در هر دو مطالعه تأیید شد. علاوه بر این یافته‌ها حاکی از این بود که اطلاع و آگاهی از هویت دیگران موجب درگیری و مشارکت بیشتر در اجتماع می‌شود و همچنین حس اجتماع مجازی را تقویت می‌کند. سرانجام اینکه مطالعه بلانچارد نشان داد که فراتر از روابط مستقیم میان مبادله حمایت و هویت اجتماعی با حس اجتماع مجازی، هنجارها به مثابه عامل میانجی عمل می‌کنند، به این معنا که همزمان با مبادله حمایت و شناسایی هویت افراد در اجتماعات مجازی، هنجارها شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند. در چنین شرایطی اعضا به این درک می‌رسند که قواعدی وجود دارد که بر رفتار آن‌ها در اجتماع حاکم است. این قواعد رفتارهای مناسب و نامناسب را مشخص می‌سازد. با مشخص شدن و تعریف قواعد بازی زمینه مناسبی برای تقویت حس اجتماع مجازی ایجاد می‌گردد.

---

<sup>1</sup>. online groups

<sup>2</sup>. listserv

<sup>3</sup>. usenet newsgroups

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا حس اجتماع مورد بررسی قرار گیرد. مک میلان و چاویس (۱۹۸۶) کوشیده‌اند با ارائه چارچوب توصیفی، الگوی مناسبی برای مطالعه حس اجتماع در هر دو اجتماعات سرزمینی (ارضی) و رابطه‌ای ارائه کنند. تأکید بر چهار مؤلفه احساس عضویت، نفوذ، انسجام و برآورده شدن نیازها و اتصال احساسی مشترک از مهم‌ترین دستاوردهای نظری مک میلان و چاویس است.

اخیراً محققان اجتماعی با تکیه بر چارچوب توصیفی مذبور حس اجتماع را در اجتماعات مجازی مورد بررسی قرار داده‌اند. اجتماعات مجازی شامل گروه‌هایی از افراد است که عمدتاً از طریق ارتباطات به‌واسطه کامپیوتر با هم به تعامل می‌پردازند و به وسیله این ارتباطات احساس تعلق و دلبستگی خود را نسبت به یکدیگر و همچنین به گروه توسعه می‌دهند. اجتماعات مجازی حاکی از نقش سرنوشت‌سازی است که تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین، خصوصاً اینترنت در اندیشه اجتماعی ایفا کرده است. این اصطلاح نشان می‌دهد که در توصیف و تبیین جامعه مدرن نمی‌توان اهمیت تحول در ارتباطات الکترونیکی را نادیده گرفت.

امروزه بخش مهمی از ادبیات مربوط به جهان فرامدرن در موافقت یا مخالفت با اجتماعات مجازی پدید آمده است. از یک سوی تحلیل‌گرانی قرار دارند که ادعا می‌کنند اجتماعات مجازی با ایجاد مصاحبت و دوستی، حمایت اجتماعی و احساس تعلق در میان اعضاء، توانسته‌اند بازگشت به اجتماعات اولیه را فراهم سازند. در این چارچوب ارتباط بین اجتماعات واقعی و اجتماعات مجازی غالباً ارتباطی مکمل است که حتی در سطحی بالاتر می‌تواند به رابطه‌ای جایگزین بدل گردد. از سوی دیگر منتقدانی هستند که معتقد‌ند، عضویت در اجتماعات مجازی عملاً به معنای چشمپوشی از ملاقات (تماس مستقیم)، از حضور فیزیکی و تبادل غیرکلامی (حالت چهره، حرکت بدن، تن صدا) است. بر طبق نظر این گروه علیرغم امتیازات ارتباطات به واسطه کامپیوتر - آزادی‌بخش و توانایی‌بخش بودن آن‌ها - این نوع ارتباطات قادر به تقویت کنند، تنها در تعاملات رو در رو ایجاد می‌گردند. امکان ارتباط غیر کلامی در تعاملات چهره به چهره امتیازی محسوب می‌شود که می‌تواند به حل مسائل پیچیده در مناسبات اجتماعی افراد کمک کند. ارتباطات رو در رو هنوز هم در موقعیت‌های مذاکره و حل تضاد عاملی موثر قلمداد می‌شود. اینان مدعی‌اند، اجتماعات مجازی که با بهره‌گیری از اینترنت ایجاد می‌گردند، قادر مزیت‌های ارتباطات رو در رو هستند و از این رو نمی‌توانند به عنوان عاملی برای احیای نمونه آرمانی تونیس - گمینشاфт - عمل کنند.

شایان ذکر است که اغلب عقاید درباره ماهیت اجتماعات مجازی و پیامدهای مثبت یا منفی آن که در دو دیدگاه رقیب مطرح گردید، در بهترین حالت یک فرضیه است که باید مورد آزمون قرار گیرد. نوشتار حاضر در بررسی این فرضیه به تحقیقاتی پرداخت که درباره حس اجتماع مجازی انجام گرفته است و از این طریق تلاش نمود، نظریات موافقان و مخالفان اجتماعات مجازی را بدور از هر گونه پیشداوری و تنها بر پایه‌دادهای تجربی مورد آزمون قرار دهد.

نتایج تحقیقات رابرترز و دیگران(۲۰۰۲) و بلانچارد و مارکوس(۲۰۰۴) نشان داد که حس اجتماع در اجتماعات مجازی(همانند محیط‌های چند کاربردی شیئی MOOCs، گروه‌های خبری و ....) وجود دارد و اکثر اعضای آن‌ها حس اجتماع را تجربه می‌کنند.

همچنین مقایسه محتوای مؤلفه‌های حس اجتماع مجازی در مطالعه بلانچارد و مارکوس با چهار مؤلفه اصلی حس اجتماع در چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس حاکی از این است که احساس عضویت در چارچوب توصیفی مذبور به شکل شناخت سایر اعضا در اجتماع مجازی تجربه می‌گردد. انسجام و برآورده شدن نیازها با تجربه حمایت در اجتماع مجازی مطابقت دارد و نهایتاً اعضاي اجتماعات مجازی اتصال احساسی مشترک را به دو شکل تجربه می‌کنند: دلبستگی به گروه به عنوان یک کل و حس تعهد و الزام به گروه. با این همه تفاوت‌هایی نیز بین حس اجتماع مجازی و حس اجتماع در اجتماعات مکانی وجود دارد که از جمله می‌توان به احساس نفوذ و هویت اشاره نمود. در پژوهش بلانچارد و مارکوس شرکت‌کنندگان در اجتماعات مجازی نکته‌ای دال بر اینکه بر اعضاي گروه نفوذ دارند یا تحت تأثیر آن‌ها هستند، بیان نکردند. در حالیکه در چارچوب توصیفی مک میلان و چاویس این احساس از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر این اعضاي گروه مجازی بر این باور بودند که دیگر شرکت‌کنندگان در گروه را می‌شناسند و رابطه با اعضاي خاص در گروه برای آن‌ها اهمیت دارد، این در شرایطی است که در دیدگاه مک میلان و چاویس عامل مذبور کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. محققان این تفاوت‌ها را به ماهیت تعامل در محیط آن‌لاین نسبت می‌دهند. به باور آن‌ها بهدلیل گمنامی در اجتماعات مجازی، اعضاي آن‌ها توجه و کنکاش بیشتری درباره حقیقت هویت دیگران نشان می‌دهند. علاوه بر این تحقیق بلانچارد(۲۰۰۸) در تبیین موضوع نشان داد که توسعه حس اجتماع مجازی تحت تأثیر سه عامل شناخت هویت‌ها، مبادله حمایت و تبعیت از هنجرهای گروهی است.

تحقیق بلانچارد بیانگر این واقعیت است که شکل‌گیری حس اجتماع مجازی در گمنامی مطلق صورت نمی‌گیرد، بلکه نیازمند شناخت، آگاهی و کسب اطلاع از هویت‌های افراد دیگر است. از این رو ما در اجتماعات مجازی همانند اجتماعات واقعی با فرایند ادراک و تفسیرهای اجتماعی سروکار داریم. اعضاي این اجتماعات از طریق پردازش اطلاعات مبتنی بر متن و رمزگشایی از آن‌ها نسبت به هویت دیگران در گروه آگاهی پیدا

می‌کند. تنها تفاوتی که در این زمینه مشاهده می‌شود این است که در اجتماعات مجازی برای یافتن سرنخ‌ها و رمزگشایی از نشانه‌های کلامی و غیرکلامی مبتنی بر متن به زمان بیشتری نیاز است.

علاوه بر این در ارتباطات به واسطه کامپیوتر همانند تعاملات رو در رو روابط، شکل مبادله اجتماعی به خود می‌گیرد و وسیله و محمولی برای کمک‌های ابزاری و اظهاری اعضای اجتماعات از یکدیگر می‌شود. به محض اینکه فردی کمکی دریافت کند او به برگشت آن به سایر اعضای گروه ملزم می‌شود. مبادله اجتماعی به تدریج توافق و هماهنگی افراد را در مورد شیوه‌های مناسب رفتار در موقعیت‌های معین ارتقاء می‌بخشد، هنجرهای اجتماعی را شکل داده و تقویت می‌کند و موجب همبستگی گروهی می‌شود. مبادله و بدنه و بستان با گذشت زمان روابط سرد و غیرصمیمی را به روابط گرم و دوستانه تبدیل می‌کند.

یکی از جالب‌ترین یافته‌های تحقیقات مورد بحث به رابطه حس اجتماع مجازی با اجتماعات مکانی مربوط است. نتایج تحقیق رابرتر و همکاران نشان داد که حس اجتماع مجازی بر حسب درجه انطباق دو نوع اجتماع (مجازی و واقعی)، تأثیر متفاوتی بر اجتماعات مکانی دارد. اگر اجتماعات مجازی از اجتماعات مکانی جدا باشند، فعالیت در فضای مجازی تأثیر چندانی بر احساس آن‌ها نسبت به اجتماع مکانی نخواهد داشت. اما چنانچه این دو نوع اجتماع با هم همپوشانی داشته باشند، تجربه حس اجتماع مجازی این ظرفیت را خواهد داشت که حس اجتماع را در اجتماعات مکانی تقویت کند، گروه سومی نیز وجود داشتند که در اجتماعات واقعی منزوی بودند و در عوض وقت زیادی را در محیط‌های مجازی می‌گذراندند. زندگی این دسته کاربران عمدهاً حول محور اینترنت سازمان می‌یافتد. برای این گروه حس اجتماع در اجتماعات مجازی به تدریج جای حس اجتماع در اجتماعات مکانی را می‌گرفت. همچنین نتایج تحقیق بلانچار (۲۰۰۴) این واقعیت را آشکار ساخت که اعضای فعال در اجتماعات مجازی، در اجتماعات واقعی نیز فعالند و با فعالیت در فضای مجازی در صدد تکمیل روابط قبلی خود هستند نه جانشین کردن آن.

در مجموع آنچه از نتایج تحقیقات مربوط به حس اجتماع مجازی استنباط می‌شود این است که در هر دو طرف بحث یعنی موافقان و مخالفان اجتماع مجازی عناصری از واقعیت وجود دارد. شکی نیست که اجتماعات مجازی از چند جهت با اجتماعات واقعی تفاوت دارد. در اجتماعات مجازی ارتباطات بدون تماس مستقیم، بدون چهره و بدون جسم صورت می‌گیرد. همچنین اجتماعات مجازی بیانگر محیط انتخاب هستند تا محیط ضرورت. کاربران هر گاه که بخواهند می‌توانند به این اجتماعات دسترسی پیدا کنند یا آن را ترک نمایند. علاوه بر این اعضای اجتماعات مجازی می‌توانند در این محیط به صورت گمنام به فعالیت پردازنند. این ویژگی به آن‌ها امکان می‌دهد تا با آزادی وجود خود را کشف کنند و هرگاه که لازم باشد بدون ترس از پیامدهای آن در دنیای واقعی، هویت‌های جدیدی بیافرینند.

این عوامل در کنار هم همانطور که را برتز و دیگران به درستی خاطر نشان می‌سازند، محیطی را ایجاد می‌کند که در سطح ظاهری تعهد محدودی را از کاربران می‌طلبد.

با این همه علیرغم این تفاوت‌ها نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که میان اجتماعات مجازی و اجتماعات واقعی وجود اشتراکی نیز وجود دارد، از جمله اینکه اجتماعات مجازی همانند اجتماعات واقعی قادرند حس اجتماع را در میان اعضای خود ایجاد کنند. همچنین فرایند شکل‌گیری حس اجتماع مجازی با توسعه حس اجتماع در اجتماعات واقعی روند مشابهی را نشان می‌دهد.

برخلاف تصور رایج فقدان بدن و جسم در اجتماعات مجازی مانع از مبادله اجتماعی در بین تعامل‌گران نخواهد شد. در اجتماعات مجازی اعضا به تبادل اطلاعات می‌پردازند و در مورد موضوعات مورد علاقه به بحث می‌نشینند و به تدریج و در طول زمان از هویت‌های یکدیگر آگاهی می‌یابند. آن‌ها از تعاملات ابزاری و سرد به تعاملات اظهاری و گرم روی می‌آورند و پیوندهای عاطفی را در میان خود گسترش می‌دهند. با توسعه پیوندهای عاطفی است که اجتماعات مجازی از سکونت‌گاه‌های مجازی کاملاً متمایز گشته و به اجتماعات واقعی نزدیک می‌شوند.

نتیجه نهایی بحث حاضر آن است که ویژگی عمدۀ حس اجتماع مجازی که در اکثر تحلیل‌ها دیده می‌شود این است که نوعی احساس ذهنی است که با شناخت (تفکر، دانش و باور) و عمل (کنش و رفتار) همراه است. به عبارت دیگر حس اجتماع مجازی مستلزم تأثیر متقابل سه عامل احساس، شناخت و رفتار در ارتباط با محیط‌های مجازی است.

با وجود این در اینجا لازم است که بر کیفیت عاطفی تاکید بیشتری شود. یافته‌های مربوط به تکوین حس اجتماع نشان می‌دهد که با رشد احساسات و عواطف انسانی زمینه مناسبی برای شکل‌گیری و توسعه حس اجتماع فراهم می‌گردد. نکته قابل تعمق اینکه در این زمینه تفاوت عمدۀ‌ای میان زندگی واقعی و محیط‌های مجازی وجود ندارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اساساً اجتماعات (واقعی و مجازی) بر عواطف انسانی استواراند. اگرچه عده‌ای نسبت به رشد احساسات و عواطف در محیط‌های مجازی بدین هستند، اما بدون آن نیز دفاع قاطعی از وجود اجتماع مجازی امکان‌پذیر نیست.

اما نکته پایانی اینکه همه گردهم‌آیی‌های مجازی واجد مشخصات و کیفیت‌های لازم برای نامگذاری تحت عنوان اجتماعات مجازی نیستند. این موضوع در ارتباط با پتانسیل‌هایی که اجتماعات مجازی برای ایفای کارکردهای اجتماعی و روانی و احیاناً جبران خلاء اجتماعات واقعی می‌توانند داشته باشند قابل تأمل است. با اینکه اجتماعات صوری در جهان واقعی نیز ایجاد می‌شوند و همواره این احتمال وجود دارد که افراد در درون اجتماع واقعی، دچار حس انزوا شوند، روابط چهره به چهره در اجتماعات انسانی واقعی، زمینه تولید چنین ناسازه‌هایی را کاهش می‌دهد. در نقطه مقابل در اجتماعات مجازی نسبت گردهم‌آیی‌هایی که چیزی بیشتر از یک خرد فرهنگ نیستند به گروه‌هایی که در واقع یک اجتماع را تشکیل می‌دهند بیشتر است.

## منابع

- اسلوین، جیمز(۱۳۸۰)، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.
- امیرکافی، مهدی(۱۳۸۳) «طراحی الگوی جامعه‌شناسی انزوای اجتماعی در شهر تهران»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- اوزکریمی، اوموت(۱۳۸۳) نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول ۱۳۸۳.
- برتون، فیلیپ(۱۳۸۲) آیین اینترنت: تهدیدی برای پیوند اجتماعی؟، ترجمه علی اصغر سرحدی و ن. جمشیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو(۱۳۸۵) فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- تونیس، فردیناند(۱۳۷۳) تضاد بین گمینشاфт و گرلشافت، در جامعه‌شناسی مدرن، به کوشش پترورسی، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۷۳.
- تونیس، فردیناند(۱۳۸۱) گمینشاфт و گرلشافت، در مدرنیته: مفاهیم اقتصادی جامعه سنتی و جامعه مدرن، به کوشش مالکوم واترز، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات نقش جهان، چاپ اول ۱۳۸۱.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی(۱۳۸۳) «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.
- چلبی، مسعود(۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- دهقان، علیرضا و نیکبخش، مرسد(۱۳۸۵) «مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاق‌های گپ زنی اینترنت»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال دوم. شماره ۶. پاییز ۱۳۸۵.
- راپینز، کوین و فرانک وبستر(۱۳۸۵) عصر فرهنگ فناورانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی، ترجمه مهدی داؤدی، تهران: نشر توسعه، چاپ اول.
- زتموکا، پیوتر(۱۳۸۶) اعتماد نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- فیلد، جان(۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقدی، تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کاستلز، مانوئل(۱۳۸۰) ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خالباز، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- کاکرین، الن(۱۳۸۷) سیاست‌های شهری: رویکرد انتقادی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: انتشارات آذرخش، چاپ اول.
- کوثری مسعود(۱۳۸۴) «آئومی اجتماعی در اجتماعات مجازی»، فصلنامه ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره اول، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- کاستلز، مانوئل و مارتین اینس(۱۳۸۴) گفت و گوهایی با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- محسنی، منوچهر(۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- وب، ملوین(۱۳۷۳) به سوی تعریف جامعه متکی بر اشتراک منافع، در: جامعه‌شناسی مدرن، به کوشش پترورسی، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ اول، ۱۳۷۳.

ولیس، پاتریشیا(۱۳۸۲) روان‌شناسی اینترنت، ترجمه بهنام اوحدی، فضل الله قنادی و حمیرا صفوی همامی، تهران: انتشارات نقش خورشید.

- Bell, David.,(2001) An introduction to Cybercultures, Routledge.
- Bess, Kimberly D., Adrian T. Fisher , Christopher c. sonn and Brian J. Bishop(2002)" Psychological sense of community: Theory, Research and Application" in Adrian T. Fisher , Christopher c. sonn and Brian J. Bishop(eds) Psychological sense of community: Research, Applications and implications , new york: kluwer Academic/Plenum Publishers, PP3-22.
- Blanchard, Anita L.(2007)"Rapid a communication :Developing a sense of virtual community measure" cyberpsychology and Behavior, volume 10, Number 6.
- Blanchard, Anita L.(2008)"Testing a Model of sense of virtual community" computers in Human Behavior 24(2008) PP 2107-2123.
- Blanchard, Anita(2004) the effects of Dispersed virtual communities on face to face social capital in Marleen Huysman and Volker wulf(eds) social capital and information technology Cambridge: the Mit press.
- Brodsky, Anne E. and Christine M. Marx(2001)"Layers of identity: Multiple Psychological senses of community within A community setting" Journal of community Psychology, vol. 29,No.2, PP.161-178
- Buckner, Joun c.(1988)" the Development of an instrument to measure Neighborhood cohesion" American Journal of community Psychology, vol. 16, No. 6,1988.
- Chavis, David M. and Abraham wandersman(1990)" sense of community in the urban environment: A catalyst for Participation and community Development" American Journal of community psychology, vol. 18, No. 1, 1990.
- Cronick, karen(2002) "community, subjectivity, and intersubjectivity" American journal of community Psychology , vol. 30, No.4,August 2002.
- Davidson, William B. and Patrick R. cotter(1989) sense of community and political participation , Journal of community Psychology, vol. 17, April. 1989.
- Delanty, Gerard(2003) Community , London: Routledge.
- Figueira – McDonough , Josefina(2001)"community analysis and Praxis" Brunner Routledge.
- Gilleard, chris and Paul Higgs(2005) "contexts of Ageing: class , cohort and community" Polity Press.
- Gillespie , Alex , flora Cornish , Emma- louise Aveling and Tania zittoun(2008) conflicting community commitments: A Dialogical Analysis of A British woman's world war 2 Diaries, Journal of community Psychology, vol. 36, No.1,PP 35-52.
- Hillier , Jean(2002) Presumptive Planning: From urban Design to community creation in one Move? In Adrian T. fisher, Christopher c. sonn and Brian J. Bishop(eds) Psychological sense of community: Research, Applications and implications , New york:kluwer Academic/ plenum Publishers, PP 43-68.
- Maya – Jariego, Isidro and Neil Armitage(2007) international sociology , November 2007, vol. 22(6): PP 743- 766.
- Mcmillan , David w. and David M. chavis(1986) sense of community: A Definition and theory Journal of community Psychology, vol. 14, PP 6-23.
- Misztal, Barbara A.(1996) trust in modern societies: the search for the Bases of social order, Polity Press.
- Pretty, Grace , Brian Bishop, Adrian fisher, and Christopher sonn(2006)"Psychological sense of community and its relevance to well- being and everyday life in Australia, the Australian Psychological society ltd.
- Quan- Haase, Anabel and Barry wellman(2004) How Does the internet Affect social capital? In Marleen Huysman and Volker wulf(eds) social capital and information technology Cambridge: The Mit Press.
- Roberts, Lynne, leigh smith and clare Pollock(2002)"MOOing Till the cows come Home: the search for sense of community in virtual environments" in Adrian T. Fisher, Christopher c. sonn and Brian J.

- Bishop(eds) Psychological sense of community:Research , Applications and implications , New york: , kluwer Academic: c/Plenum Publishers , PP 223-245.
- Sampson, Robert J. , Jeffrey D. Morenoff and felton Earls(1999)"Beyond social capital: spatial dynamics of collective efficacy for children" American sociological Review, vol.64,PP633-660.
- Sonn, Christopher c. and Adrian T. Fisher(1996) Psychological sense of community in politically constructed Group, Journal of community Psychology, vol. 24, No. 4,PP.417-430.
- Wellman, Barry(2001) the Persistence and transformation of community: from Neighborhood groups to social Networks, Report to the law commission of Canada.
- Wellman, Barry and carolin Haythornthwaite(2002) the internet in everyday life, Oxford :Black well.
- Wellman, Barry and Milena Gulia(1999) Net surfers Don't Ride Alone: virtual communities as communities. in B. wellman(Ed.) Networks in the Global village. westview.
- Wittel, Andreas(2001) toward a network sociality; theory, culture and society, vol. 18(6): PP.51-76.